

قالب الف - متن کرسی ترویجی:

۱- مشخصات ارائه دهنده (گان):

|                        |                                                      |
|------------------------|------------------------------------------------------|
| نام و نام خانوادگی:    | سید مهدی میرداداشی کاری                              |
| میزان تحصیلات:         | دکتری                                                |
| رشته تحصیلی:           | حقوق                                                 |
| مرتبه علمی:            | دانشیار                                              |
| نام و آدرس محل اشتغال: | دانشگاه آزاد اسلامی قم - قم - دانشگاه آزاد اسلامی قم |
| شماره تلفن:            | ۰۹۱۲۷۵۸۰۷۴۹                                          |
| آدرس ایمیل:            | mirdadashim@iau.ac.ir                                |
| شناسه ORCID:           | ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۵۴۳۹-۳۹۳۳                                  |

۲- عنوان کرسی:

|                                                                                                                        |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| عنوان فارسی: بررسی اختیارات دادگاه در تعیین نحل و اجرت المثل در نظام قضایی ایران                                       |
| عنوان انگلیسی:<br>Current rationality on transcendental education in the hadith "The soldiers of reason and ignorance" |
| عنوان عربی: دور الاختیارات المحکمه فی تعیین النحل و اجره المثل فی نظام القضاة الايرانية.                               |

۳- متن کرسی ترویجی: (آن دسته از ارائه دهندگان کرسی ترویجی یا دانشگاه یا موسسه‌ای که کرسی در آن برگزار می‌شود به

زبان غیرفارسی هستند، می‌توانند متن کرسی را به زبان اصلی ارائه دهند)

۱. مقدمه

خانواده نهاد ارزشمند و مقدیست که تنظیم ارتباط حقوقی اعضای آن همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های قانون‌گذاران در کلیه کشورها بوده، کشور ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده، بر همین اساس حفظ استحکام و روابط فقهی و حقوقی خانواده خصوصاً در دهه‌های اخیر نشان داده که بسیار مورد توجه قرار داشته است. در این صورت می‌توان گفت که خانواده نهاد ارزشمند و مقدسی است که به رغم ماهیت قراردادی از دواج نسبت به روش عقد و انحلال آن به صورت جداگانه در قانون مدنی مطرح و به تصویب رسیده است، که بعد از آن نیز قوانین متعددی در این زمینه وضع گردیده، که مهم‌ترین آن قانون حمایت از خانواده می‌باشد که در سال ۱۳۴۶ و سال ۱۳۵۳ مصوب شده که اصلاح مربوط به طلاق در سال ۱۳۷۱ و قانون حمایت خانواده نیز در سال ۱۳۹۱ مصوب و بخش وسیعی از این نوع قوانین خصوصاً مقررات آن جهت تأمین حقوق زنان در خانواده‌ها بوده است. زنان به دلیل آسیب‌پذیری که از طلاق، خواسته یا ناخواسته بر روح و روان آن‌ها وارد گردیده است، عدم پشتوانه اقتصادی نیز مشکلاتی دیگری است که زندگی را بر زنان دشوار کرده. به همین منظور مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۸ به فکر راهکاری جهت حمایت از زنان افتاد و مجمع تشخیص مصلحت نیز به دنبال راهکارهایی اندیشیده شده مجلس، قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق را در سال ۱۳۷۱ مصوب نمود. بر این مبنا که وجود برخی شرایط، مرد بایستی به اندازه‌ای مالی را به عنوان هدیه و بخشش اجباری براساس حقوق مالی زوجه در هنگام طلاق الزاماً بایستی به زوجه پرداخت کند. هر چند که شورای نگهبان آن را مغایر با شریعت نبوی دانسته است.

به موجب آموزه‌های دین اسلام، تنها نباید زندگی مشترک را براساس احسان و بخشش جاری بداند، بلکه احسان و بخشش در طلاق نیز باید جاری و اداره گردد. بر پایه همین موضوع آقا امام پنجم شیعیان می‌فرماید: «قال: متعوهن جملوهن بما قدرتم علیه، فإنهن یرجعن بکآبة وحیاء وهم عظیم وشماتة من أعدائهن، فان الله کریم یستحيي ویحب أهل الحیاء إن أکرمکم عندالله



از کرسی‌های نظریه‌پردازی، تدوین‌کننده

باسمه تعالی

أشدکم إكراما لحلائلهم؛ به میزان قدر توانایی خویش به صورت پسندیده به زنان مطلقه اموالی بپردازید، زنان را آراسته کنید؛ چون که زنان با سرزنش، ناراحتی و سرشکستگی دشمنان، به منزل والدین خویش بر می‌گردند. به راستی که خداوند تعالی و عزوجل حیا می‌کند و فرد با حیا را دوست می‌دارد. پس کریم‌ترین و سقاوت‌ترین شما شخصی است که همسران خویش را که در حباله و پیمان نکاح او هستند، به قدری بیش‌تر اکرام نماید». با توجه به این روایت و روایات مشابه دیگر این گونه منظور و برداشت نموده که آسیب‌های وارد شده روحی بر زن بایستی کمتر شود و با خوبی و رضایت از همدیگر جدا گردند. لذا اصل و واقعیت این بخشش و هدیه، یکی از تعالیم اسلام بوده که در سال‌های متمادی بعد از موضوعه گردیدن قوانین، جزئی از قوانین کشور به حساب آمده تا به عنوان نحله قلمداد شود.

بنابراین مساله اصلی پژوهش حاضر آن است که دادگاه در تعیین نحله و اجرت المثل در نظام قضایی ایران چه اختیاراتی دارد؟

## ۲ تغییر اجرت المثل به نحله

امکان تغییر اجرت المثل به نحله نکاتی ضروریست، که اجرت المثل مقدم بر نحله باشد و در حالی که اجرت المثل وجود داشته باشد، نحله منسوخ و منتفی است. جهت روشن شدن این موضوع سؤالی مطرح می‌گردد، که: «آیا اجرت المثل از طرف دادگاه قابلیت تبدیل شدن به نحله دارد یا نه»، بنابراین اولین رویکرد دادگاه که مورد توجه است صدور رأی و حکم است. پس این مطلب می‌تواند مورد توجه باشد که تغییر اجرت المثل مبتنی بر اساس و مبنای مشخص و معینی باشد. اگر دلیل و مبنای مشخص و معین مرتبط با تبدیل اجرت المثل به نحله راه‌حلی وجود نداشته باشد، لذا تغییر بدون دلیل و برهانی برای ثبوت، مورد پذیرش است که اندازه و میزان تعیین شده در باره‌ی اجرت المثل تغییری ننماید، و در حالی مهم می‌باشد که تأثیرپذیر در میزان پرداخت و تعلق باشد.

بنابراین طبق گردش کاری این پرونده، خواهان به طرفیت از خوانده به خواسته صدور گواهی عدم ممکن بودن سازش مطرح کرده است. دادگاه بدوی با آگاهی و اعلام پایان و ختم رسیدگی عمل و اقدام به انشاء حکم و رأی داده است، به موجب همین موضوع دادگاه طبق نظررانی بیاناتی دارد، که: «نظر به این‌که هم در فقه تشیع و هم در قانون مدنی ایران طبق ماده‌ی ۱۱۳۳ زوج هر وقت بخواهد می‌تواند مطابق شرایطی زوجه خود را مطلقه نماید... حکم به صادر شدن گواهی جهت عدم سازش صادر می‌شود... و زوج مکلف است اجرت المثل مبلغ مشخص شده به میزان دو میلیون و هفتصد هزار تومان پرداخت نماید...».

در تجدیدنظرخواهی، به زعم شعبه تجدیدنظر مطرح به بیانی است که: «قسمت دوم رأی در باره جهیزیه و اجرت المثل نقض می‌شود و حکم به استرداد و تحویل جهیزیه که در منزل مشترک بین زوج و زوجه موجود است، به مستحق و تعلق برای زوجه صادر می‌گردد و به جای اجرت المثل مشخص و تعیین شده در رأی بدوی مستنداً به بند «ب» تبصره‌ی ۶ قانون ماده‌ی واحده ذکر شده که کماکان به توانایی و قوت خود باقی است، مبلغ سه میلیون و دویست هزار تومان به عنوان نحله برای زوجه مشخص و تعیین می‌شود و در زمینه نفقه فرزند مشترک مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان در ماه مشخص و تعیین می‌گردد». بنابراین با فرجام‌خواهی از طرف زوجه صورت پذیرفت که مرجع فرجام‌خواهی، ضمن تأیید حکم و رأی دادگاه تجدیدنظر در ارتباط با اجرت المثل، اگر چه دادگاه مبنای تغییر آن را به نحله تعیین و مشخص ننموده، ولی با اطلاع و آگاهی و با توجه به میزان تعیین شده و عدم امکان محاسبه و جمع میان اجرت المثل و نحله از این جهت بر دادنامه فرجام خواسته ابهام و اشکالی وارد نمی‌باشد».

## ۲-۱-۳. میزان اختیار دادگاه از تبدیل اجرت المثل به نحله

در این قسمت به حدود اختیار دیوان عالی در تبدیل اجرت المثل به نحله، بنا به رأی شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور ایران چنین آمده است که: «در حالی که در حکم و رأی فرجام خواسته، علاوه بر عدم استحقاق زوجه جهت و اجرت المثل دوران زندگی مشترک میان زوج و زوجه تعیین شده باشد، دیوان خواهد توانست مبالغ ذکر شده را نحله محسوب نموده و حکم و رأی صادره را با اصلاحی ابرام نماید. مع الوصف گردش کاری این پرونده آمده است که: خواهان به طرفیت خوانده، زوجه به خواسته صادر شدن گواهی بر عدم امکان سازش اقامه دعوی نموده. دادگاه طرفین را دعوت کرده و درخواست‌شدگان در جلسه‌ای تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۱۷ در دادگاه حضور پیدا کرده است. وکیل زوج خواسته را تکرار کرده و زوجه نیز بیان داشته که بایستی زوج حق و حقوق را بپردازد تا طلاق دهد. دادگاه قرار ارجاع موضوع امر را به داور صادر کرده است. داوران نیز هیچ توفیقی در سازش آن‌ها نداشتند، دادگاه نیز با آگاه و اعلام از ختم رسیدگی طبق دادنامه‌ای حکم و رأی به طلاق زوج مبتنی بر پرداخت حق و حقوق او صادر نموده است، و به میزان سی میلیون ریال اجرت المثل مشخص و تعیین نموده است.

به دنبال حکم صادر شده، زوج اقدام به فرجام‌خواهی داشته است و پرونده به شعبه مربوطه ارجاع گردیده که زوج به پرداخت اجرت‌المثل اعتراض داشته. به دلیل این‌که در پرونده دیگری نسخ و رد شده است. نهایتاً شعبه بیست‌وشش دیوان عالی کشور اقدام به صدور حکم و رأی می‌نماید، که: «با توجه به محتویات پرونده گرچه دعوی اجرت‌المثل زوجه در پرونده دیگر جهت داشتن قصد تیرع منسوخ و رد شده است اما این میزان و مقدار مبلغ در ارتباط با نحله می‌تواند درست و صحیح باشد، همچنین به نام اجرت‌المثل آورده که؛ با اصلاح دادنامه از اجرت‌المثل به نحله رأی و حکم فرجام‌خواسته ابرام می‌شود».

### ۳-۱-۳. عدم مطالبه نحله و وظایف قانونی دادگاه

در این قسمت نیز به عدم لزوم مطالبه نحله و وظیفه قانونی و علی‌الرأس دادگاه به تعیین آن، یکی از آرای مهمی را در شعبه نوزدهم دیوان عالی کشور صادر نموده است که؛ «راجع به وظیفه علی‌الرأس دادگاه به مشخص و تعیین نحله می‌باشد، خواه زوجه، نحله را مطالبه کرده باشد خواه مطالبه‌ای از طرف زوجه صورت پذیرفته باشد».

بنابراین در گردش کار پرونده‌ی ذکر شده آمده که؛ خواهان به خواسته صدور گواهی عدم امکان سازش بر علیه خوانده در دادگاه بدوی اقامه دعوی کرده که نتیجتاً رأی دادگاه، گواهی عدم امکان سازش پذیرفته شده است، بدان سبب که: «صرف‌نظر از این‌که نحله مطالبه نشده است، لیکن زوجه به آن اعتراض نکرده است، اما در ارتباط با نفقه زوج بدان متعرض است. و لازم دارد که پس از مشخص و تعیین از اظهار نظر کارشناس به هزینه زوج و با مراعات و ملاحظه مستندات و اعتراض و دفاع زوجه انشاء رأی شود. به همین منظور دادنامه فرجام‌خواسته به دادگاه صادرکننده حکم و رأی فرجام‌خواسته ارجاع داده می‌شود. لذا با ارجاع پرونده به شعبه بدوی، دادگاه با عنایت به دادنامه و این‌که زوجه اقرار نموده که به مدت دو سال زندگی مشترکی داشته است. لیکن وکیل زوج گفته که به زندگی مشترک به صورت عرفی با هم نداشت‌اند و در منزل پدر زوجه زندگی داشته‌اند و با توجه به این‌که مدتی با هم به صورت مشترک زندگی کرده‌اند. استحقاق زوجه به نفقه و نحله به لحاظ نگهداری از فرزند تجدیدنظر خواه محرز بوده است. اما زوجه اعتراضی به دادنامه نداشته است و مدعی است که پرداخت نفقه از سوی زوج مرتبط به این‌که زوجه در خانه پدرش زندگی می‌نموده. فرزند هم نزد وی می‌باشد. پرداخت مبالغ بابت نفقه محرز نبوده است. تعلق و پرداخت اعم دلالت بر اخص نمی‌نماید خاصه این‌که در این مدت زندگی در منزل زوجه بوده‌اند، زوجه تقاضای مطالبه نحله ننموده است، دادگاه بدون مطالبه مواجه با تکلیفی نیست».

و با توجه به تجدیدنظرخواهی از حکم و رأی صادره، شعبه نوزدهم دیوان عالی کشور اظهار داشته که: «تعیین تکلیف در باره حقوق مالی زوجه و صراحتاً و به تصریح ماده‌ی ۲۹ قانون حمایت خانواده از وظایف و تکالیف دادگاه است و نیز حسب بند «ب» تبصره‌ی ۶ قانون اصلاح مقررات طلاق و در مواردی که زوجه مستحق اجرت‌المثل نباشد دادگاه زوج را ملزم به پرداخت نحله می‌کند و به لحاظ همین امر فرجام‌خواهی فرجام‌خواه از این حیث (که البته به عدم تعیین اجرت‌المثل) اعتراض نموده است وارد می‌باشد».

### ۳-۱-۴. متابعت دادگاه در تعیین نحله در صورت عدم اعتراض زوجه

در این بخش بنا به لزوم تبعیت دادگاه از نظریه کارشناسی واحد در تعیین نحله در صورت عدم اعتراض زوجه بنا به رأی صادره از شعبه هشت دیوان عالی کشور به طور خلاصه آورده است که: به موجب نظریه کارشناسی یک نفره، اندازه و میزان نحله پانصد میلیون ریال مشخص و تعیین و زوجه به این امر اعتراض ننموده، ولی زوج اعتراض نماید و هیأت کارشناسی میزان نحله را یک میلیارد ریال اعلام کند، دادگاه بایستی براساس و مبنای نظریه کارشناس واحد حکم و رأی صادر کند، چون زوجه مبلغ کارشناسی واحد را پذیرفته است.

بر همین اساس در پرونده‌ی مزبور خواهان به طرفیت خوانده دادخواستی به خواسته صدور گواهی عدم امکان سازش برای اجرای صیغه طلاق به دلیل سوءمعاشرت و سؤرفتار زوجه تقدیم نموده. خوانده نیز در پاسخ بیان داشته که؛ هیچ میلی به جدایی و طلاق از زوج را ندارم. و بیان داشته که خواهان ماه‌ها ناسازگاری داشته و حتی کانون گرم خانه را با بهانه‌های واهی در زندگی، همچنین بی‌اساس محیط گرم خانه را تبدیل به محیطی سرد و بی‌روح نموده است، و با ضرب و شتم بنده (زوجه) و همچنین اقدام به اخراج بنده از منزل مشترک و عدم پرداخت نفقه موجبات عسر و حرج وی را فراهم کرده است. در صورت اصرار خواهان به جدایی، ملزم به پرداخت حق و حقوق قانونی موکله مانند مهریه و اجرت‌المثل دوران زندگی زناشویی می‌باشد و به علاوه خواهان دارای وضعیت مالی بسیار خوب و مناسب و از متمولین شهر است. سپس دادگاه برای ایجاد سازش و صلح میان طرفین موضوع را به داور ارجاع و نیز برای تعیین میزان نحله برای زوج قرار ارجاع امر به کارشناس صادر کرده است. داوران منتخب زوجین هر کدام یک نظریه کتبی خویش را دال بر عدم سازش طرفین را تقدیم داشته‌اند و کارشناس منتخب دادگاه طی نظریات کتب تقدیمی در اوراق بیست و بیست و یک پرونده میزان نحله استحقاقی زوجه را با لحاظ کلیه عوامل و جهات مؤثر در قضیه مبلغ پانصد میلیون ریال مشخص و تعیین و اعلام



کرده‌اند. نظریه کارشناس به وکلای طرفین ابلاغ گردیده و وکیل خواهان نسبت به آن اعتراض کرده است و متعاقباً دادگاه موضوع مربوطه را به هیأت سه نفره کارشناسان ارجاع داشته و این هیأت کارشناسان به شرح نظریه تقدیمی در برگ ۳۰ پرونده اندازه و میزان نخله زوجه را برابر و معادل مبلغ یکصد میلیون تومان تعیین و اعلام داشته‌اند. نظریه هیأت کارشناسان به وکیل خواهان ابلاغ شده و مراتب اعتراض خود را نسبت به آن اعلام داشته است. نهایتاً دادگاه با آگاه و اعلام در باب ختم رسیدگی و نظریه داوران و نظریه هیأت کارشناسی در باره حق نخله دعوی خواهان را وارد تشخیص و مستنداً به ماده‌ی ۱۱۳۳ قانون مدنی به زوج خواهان اجازه داده ضمن تعلق و پرداخت مهریه زوجه با احتساب آن به نرخ روز و نیز پرداخت حق نخله به مبلغ یک میلیارد ریال و نفقه ایام عده از قرار ماهیانه مبلغ ششصد هزار تومان زوجه خود را به طلاق رجعی مطلقه نماید.

در هر صورت و با توجه به موارد بیان شده رأی صادره مورد اعتراض واقع گردیده و وکیل زوج نسبت به رقم و میزان تعیین شده نخله اعتراض و تجدیدنظر خواهی نموده که پس از انجام تشریفات قانونی شعبه تجدیدنظر خواهی اعلام کرده که نظریه هیأت کارشناسان به وکلای طرفین ابلاغ شود و پس از انجام آن سپس ختم و پایان رسیدگی را اعلام و به موجب دادنامه‌ای اعتراض تجدیدنظر خواه را غیرموجه تشخیص و ضمن نسخ و رد آن دادنامه تجدیدنظر خواسته را تأیید نموده است. دادنامه به طرفین ابلاغ شده و متعاقباً فرجام‌خواهی شد که عمده اعتراض فرجام خواه نسبت به رقم نخله تعیین شده در دادنامه بدوی بود. لذا نظر مرجع فرجام‌خواهی آمده است که: «در خصوص نخله وارد و موجه می‌باشد، چون که در نظریه کارشناس واحد میزان نخله استحقاقی زوجه فرجام خوانده به مبلغ پانصد میلیون ریال تعیین و اعلام داشته که نظریه کارشناس واحد پس از ابلاغ آن به وکیل زوج موصون از اعتراض زوجه و وکلای وی باقی‌مانده و فقط وکیل زوج نسبت به آن اعتراض نموده و دادگاه بدوی در مقام توجه و رسیدگی به اعتراض ایشان موضوع را به هیأت سه نفره کارشناسان ارجاع داشته است و هیأت کارشناسان هم در نظریه تقدیمی خود میزان نخله را مبلغ یک میلیارد ریال تعیین و اعلام نموده‌اند. هر چند وکیل زوج به نظریه هیأت کارشناسان در مهلت قانونی اعتراض نموده ولی چون اساساً نظریه هیأت کارشناسان در مقام اعتراض وکیل زوج به نظریه کارشناس واحد ارائه و تقدیم شده و میزان نخله تعیین شده در آن از میزان نخله تعیین شده در نظریه کارشناس واحد تجاوز دارد، لذا به دلیل این که نظریه کارشناس واحد موصون از اعتراض زوجه و وکلای ایشان باقی‌مانده و در واقع زوجه و وکلای ایشان با عدم اعتراض خود به نظریه کارشناس واحد نسبت به این نظریه و رقم نخله تعیین شده در آن تمکین نموده و آن را مورد قبول و پذیرش خود قرار داده‌اند. لذا نظریه هیأت کارشناسان و رقم نخله تعیین شده در آن جهت تشخیص میزان نخله استحقاقی زوجه فرجام خوانده قابلیت متابعت را نداشته و ضرورت قانونی داشته که دادگاه در متابعت از نظریات هیأت کارشناسان و میزان تعیین نخله استحقاقی زوجه بر مبنای همان رقم تعیین شده در نظریات هیأت کارشناسان خلاف موازین قانونی و حقوق زوج فرجام‌خواه بوده و در این صورت، دادنامه فرجام خواسته در این بخش که بدون توجه به مراتب اشعاری صادر یافته، به لحاظ مغایرت آن با موازین قانونی و حقوق زوج فرجام‌خواه مخدوش بوده مستنداً بنا به بند ۲ ماده‌ی ۳۷۱ قانون آئین دادرسی مدنی نقض می‌شود و رسیدگی مجدد مستنداً بنا به بند «ج» ماده‌ی ۴۰۱ همان قانون به شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده رأی منقوض ارجاع می‌گردد».

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

#### ۱. نتیجه‌گیری

تحولات صورت گرفته از نهاد و سرشت نخله در برابر و در راستای حمایت‌گری‌های مالی از زن (زوجه) به موجب فقه و متناوباً در حقوق ایران بر اساس فقه اسلامی، روایات و آیات قرآن مجید بعد از انقلاب اسلامی، تصویب قانون اصلاح مقررات مرتبط به طلاق، در سال ۱۳۷۱ بنابر بند «ب» از تبصره‌ی ۶ به صورت صریح به نهاد نخله به عنوان نوعی بخشش از سوی زوج به زوجه مورد اشاره و پیش‌بینی قرار گرفته است. و تصویب قانون جهت حمایت از خانواده در ایران سال ۱۳۹۱ با وجود نسخ صریح بند «الف» از تبصره‌ی ۶ بحث اجرت‌المثل اشاره نموده است. بنابر مجموع بحث و بررسی‌های آمده در زمینه نخله و اجرت‌المثل زوجه، می‌توان ذیل به نتایجی به دست آمده اشاراتی داشت که عبارتند از:

۱. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، مبنای نخله را بایستی در قواعد مسئولیت مدنی مورد جستجو قرار داد، به دلیل آن که مبنای آن را باید نوعی جبران خسارت قلمداد نمود، هر چند که در این زمینه دیدگاه‌های مخالفی نیز وجود دارد و استدراک و جبران خسارت بودن ذات و نهاد نخله را با آگاهی به این که متناسب با ضرر و زیان وارده نمی‌باشد، پس درست و صحیح نمی‌دانند، چون که در صورت و بشرط عدم تعلق اجرت‌المثل به زن (زوجه) مطلقه، مبالغش بر اساس سنوات و ایامی که میان زوجین زندگانی مشترک و انواع کارهای زوجه و وسیع مالی زوج محاسبه می‌شود.

۲. با امعان به موضوعات بررسی شده در میان نخله و اجرت‌المثل، تفاوت‌های را می‌توان احصاء نمود.

الف: اجرت‌المثل در هر گونه نکاح و در هر زمانی قابل مطالبه از طرف زوجه با حمایت از دادگاه بوده است. و با شرایط مالی در حین عقد نکاح یا ضمن عقد از دواج از جمله شروط منتقل کردن تا نصف دارایی قابلیت جمع خواهد داشت. در

صورتی که نحله مخصوص نکاح و ازدواج دائم بوده، اما در نکاح منقطع وجود ندارد، یعنی امکان طلب نمودن نحله در هر زمانی نبوده و تنها زنی مستحق دریافت نحله خواهد بود که مقصر و رفتار بد نداشته باشد، و بنا به درخواست همسرش طلاق داده می‌شود. همین‌طور دریافت و تعلق نحله به زوجه (زن)، مشروط به عدم وجود شرط‌های مالی در ضمن عقد نکاح یا حین عقد ازدواج و عقد لازم دیگر، و در صورت وجود شرط‌های مانند تنصیف دارایی، نحله‌ای به زوجه (زن) پرداخت نمی‌شود و یا مورد تعلق زوجه قرار نمی‌گیرد.

ب: نکته‌ای دیگر اینست که در زمینه اجرت‌المثل زن (زوجه) که ابتناء بر قاعده‌ی استیفاء بوده، و آن در مقابل کارهای که زن (زوجه) خارج از وظیفه‌های شرعی انجام داده است که موکول به نیت و قصد عدم تبرع است، و در وضعیت و وسع مالی مرد (زوج) در محاسبه‌ی آن هیچ دخالتی ندارد، در صورتی که نحله نوعی ضرر و خسارت مخصوص بوده و وضعیت مالی مرد (زوج) و همین‌طور تمام کارهای انجام داده زن (زوجه) در قلمداد و احتساب آن دخیل است.

۳. با توجه به ابهامات به وجود آمده مطابق شروط نحله برای سیاق بند ۸ ماده‌ی ۵۸ قانون حمایت از خانواده مصوب در سال ۱۳۹۱ به نظر می‌آید، و با نگرش به نگارش بند «ب» تبصره‌ی ۶ سابق و مرتبط بودن آن با بند «الف»، شروط درج شده در صدر آن تبصره مطابق نحله همچنان به قدرت خود باقی مانده و بر این حسب، در حالی که زن (زوجه) با عدم تخلف و تقصیر از سوی مرد (زوج) طلاق داده شود، و هیچ نوع شرط حین عقدی در باب وضعیت مالی زوج و زوجه وجود نداشته و اجرت‌المثل هم به زوجه تعلق نگرفته باشد زوجه می‌تواند مبالغه را با عنوان نحله دریافت کند و میزان و اندازه آن بر اساس سنوات زندگی مشترک میان زوجه و زوج و وضعیت و وسع مالی زوج و همچنین نوع کارهایی که زن (زوجه) در منزل مرد (زوج) و یا به نفع مرد (زوج) انجام داده باشد محاسبه خواهد شد. لذا اجرت‌المثل و نحله در طول یکدیگر قلمداد شده و ممکن بهرهمندی زن (زوجه) از هر کدام یک از آن‌ها به صورت همزمان وجود ندارد.

۴. با توجه به مقررات نحله که جامعیت و کفایت لازم را نداشته، دیوان عالی ایران با صدور آرای مستحکم به طرز مطلوبی توانسته به نواقص قانونی در زمینه نحله پاسخ بدهد. بنابراین در خصوص شیوه‌ی احتساب نحله در رویه‌ی قضایی مشاهد گردیده که؛

الف: در احتساب ایام و سنوات نامزدی محاسبه نمی‌شود.

ب: مشخص و تعیین نحله باید معقول و منطقی بوده و از اصل تناسب بایستی پیروی شود.

مضافاً و علاوه بر این که آشکار و استنباط گردد که دادرس در محاذی و مواجهه با نحله، تکالیف و حقوق مسجل و مشخصی دارد، که عبارتند از:

الف: امکان‌پذیری تغییر اجرت‌المثل به نحله از طرف دادرس وقتی پذیرفتنی می‌باشد که اندازه و میزان حق مالی، تفاوتی به وجود نیابد.

ب: برای مطالبه نحله از طرف زن (زوجه) الزامیتی نیست، چونکه دادگاه وظیفه دارد به بررسی آن بپردازد و علی‌الرأس موظف است.

۵. نهاد و سرشت مالی نحله طبق تبصره‌ی ۶ ماده‌ی واحده مصوب سال ۱۳۷۰ در مجلس شورای اسلامی وجود نداشت، ولی مجمع تشخیص مصلحت نظام با اهداف حمایت از زنانی که به صورت ناحق از طرف همسران خود طلاق داده می‌شوند و به منظور جبران ضرر و خسارت‌های معنوی و مادی وارد بر آن‌ها، این نوع تأسیس مالی را در سیاق بند «ب» تبصره‌ی ۶ ماده‌ی واحده به حقوق ایران مورد پیش‌بینی دانست و وارد ساخت. بر مبنای مقرره‌ی قانونی ذکر شده، نحله عبارت از مبالغه بود که در صورت عدم وجود شروط مالی حین نکاح و ضمن عقد ازدواج میان زوج و زوجه و عدم تعلق اجرت‌المثل به زوجه مطلقه بدون تقصیر به زوجه پرداخت می‌گردید. سال ۱۳۹۱ قانون‌گذاران با وضع کردن بند ۸ ماده‌ی ۵۸ قانون جدید حمایت از خانواده و اعلام نسخ ماده‌ی واحده تصویب شده در سال ۱۳۷۱ و مستثنی نمودن بند «ب» از مشمول آن، نهاد و ذات مالی مورد بررسی و بحث را همچنان در حقوق فقه ابقا کرده و صد البته تردید و ابهام جدیدی را بر اساس عدم فسخ یا فسخ صدر تبصره‌ی ۶ ماده‌ی واحده مورد ذکر را به وجود می‌آورد.

## ۲. پیشنهادات

برای اصلاح مقررات در زمینه نحله و اجرت‌المثل، ذیل چند نوع پیشنهاد مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. در خصوص نحله و جمع آن با اجرت‌المثل میان حقوق‌دانان و قضات اختلاف نظر است. این اختلاف منجر به صدور رأی اصراری به شماره دادنامه ۱۴۲۰ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۹ توسط شعبه ۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران گردید و رأی شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورد تأیید این شعبه قرار گرفت. قضات این دادگاه معتقد بودند تعیین همزمان اجرت‌المثل و نحله مغایر قانون است. لکن مسأله در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح گردید و قضات دیوان عالی کشور نیز دارای

اختلاف نظر بوده در نتیجه از تعداد ۳۵ قاضی حاضر در جلسه، تعداد ۲۸ نفر رأی شعبه هشتم دیوان عالی کشور مبنی بر این که اخذ نخله مغایرتی با دریافت اجرت المثل ندارد و ۷ قاضی رأی شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر (مغایرت داشتن اجرت المثل با دریافت نخله) را تأیید کردند در نتیجه بنا به نظر اکثریت قضات هیأت عمومی دیوان عالی کشور اخذ نخله مغایرتی با دریافت اجرت المثل ندارد. لذا پیشنهاد می‌گردد ماده‌ای به قانون حمایت از خانواده اضافه گردد و به صراحت امکان اخذ نخله به همراه اجرت المثل را بیان نماید.

۲. یک دیگر از پیشنهادات مهم عبارت است: الف: باتوجه به ابهام جدی و مهم در رابطه با شروط نخله از نظر نوع نگارش بند ۸ ماده‌ی ۵۸ قانون حمایت از خانواده، قانون‌گذاران به جای مصوب کردن چنین نصوص ناقص و مبهم، عملاً به تصویب و مصوب کردن یک ماده‌ی قانونی آشکار و واضح نموده و تمام شروط حق سزاواری زوجه برای دریافت نخله را به صورت منظم و ترتیب در متن ماده‌ی یاد شده ذکر نماید و به پیچیدگی و ابهام ناشی و برگرفته از مسأله نسخ یا عدم نسخ صدر تبصره‌ی ۶ سابق در مورد نخله زوجه (زن) خاتمه و پایان دهد. ب: حداقل در طلاق نشأت از عسرو حرج، نخله برای زوجه فراهم و امکان پذیر شود، همچنین عدم امکان یا امکان اجماع آن با شروط تنصیف داری صراحتاً آشکار و روشن شود. همین‌طور به نکته‌ای بایستی تأکید شود که انتخاب عنوان هدیه و بخشش جهت یک مبلغ الزامی و اجباری در واقع و حقیقتاً صحیح نمی‌باشد و کلمه‌ی نخله نیز ماهیت این تأسیس را نمی‌تواند به درستی و به خوبی نشان دهد. لذا چنانچه مقنن در تصویب مقررات مرتبط به نخله واقعاً و حقیقتاً به موازین شرعی نظر دارند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود به جای انتخاب کردن عنوان‌های غیرمرتبطی از واژه‌ی (متاع) و یا (متعهی طلاق) استفاده گردد، تا این نوع تأسیس را به آیات نزدیکتر سازد و اما اگر این گونه دغدغه‌ها در نظرات و افکار قانون‌گذار نباشد و یا نخله را تأسیس شرعی به شمار نیاورد، بایستی عنوان زیان و خسارت را بر آن بگذارد تا ماهیتش به صراحت آشکار و روشن گردد. در خلال این که پیچیدگی و ابهام به وجود آمده در ارتباط با نوع کارهای حائل و دخیل در احتساب نخله نیز بایستی برطرف شده و قانون‌گذار نیز به طور دقیق باید مشخص کند که آیا تمام کارها و اعمال زن (زوجه) در محاسبه‌ی نخله دخیل است و یا این که فقط کارهای خارج از وظیفه‌های قانونی زوجه خواهد توانست تأثیرگذار در مقام باشد، که البته باتوجه و با نگرش به دیدگاه گفته شده در مورد مبنای نخله و تفسیرش به عنوان نوعی از زیان و خسارت خاص، چنین به نظر می‌آید اتخاذ نظر و دیدگاه نخست در شروط فعلی درست‌تر و صحیح‌تر بوده و بهتر می‌باشد که مقنن با افزودن تعبیر در متن تبصره اعم از واجب و غیرواجب، در این خصوص رفع ابهام کرده و بر این نکته تأکید کند که در محاسبه نخله، تمامی اعمال و کارهای زوجه، دخیل است. همین‌طور بهتر می‌باشد که نیاز و وسع مالی زوجه نیز در محاسبه‌ی نخله، تأثیرپذیر و مؤثر تلقی شود.

### ۱-۳ شرح موضوع: بطور دقیق و علمی شرح داده شود

بحث نخله در فقه و حقوق به دلیل جایگاه آن به عنوان یک حق مالی برای زنان در زمان طلاق و همچنین ضرورت حمایت از زنان در این شرایط، جایز اهمیت است. این موضوع به ویژه در مورد زنان خانه‌دار که ممکن است از نظر مالی در طول زندگی

مشترک وابسته بوده‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. باتوجه به این‌که این موضوع کمتر بحث شده است لذا تبیین ابعاد و مصادیق آن و واکاوی پیرامون آن از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۲-۳ سوابق دانشی: تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟

برای بررسی فقهی و حقوقی نحله و همینطور اجرت‌المثل، پایان‌نامه‌هایی از نظر کیفی به تحریر نرسیده است، اما در بعضی از آثار فقهی و حقوقی اشاراتی در زمینه موضوع این پژوهش آمده است که عبارتند از:

۱- کتب

۱. میرداداشی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، شروط ضمن عقد ازدواج، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه: «در این کتاب در باب نظام حقوقی ایران، به سبب عقد ازدواج، زنان از برخی حقوق مدنی و معنوی همانند حق سفر شخصی، اشتغال، جدایی از زوج و غیره پرداخته شده. در این کتاب در مورد عیوب موجب فسخ نکاح و حق حبس زوج، در محور اصلی بحث، به شروط ضمن عقد نکاح با نگاهی انتقادی به شروط درج در قباله‌های ازدواج پرداخته است.»

۲. صفار، محمدجواد (۱۳۹۰)، درس‌هایی از حقوق خانواده (با تکیه بر موقعیت حقوقی زن در نکاح و طلاق)، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه: «اگر زوج به تشخیص خویش انجام کاری را لازم و از عهده‌ی آن برآمده باشد چون دستور زوج وجود ندارد، مستحق اجرت‌المثل نیست.»

۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، دوره حقوق مدنی - خانواده - نکاح - طلاق، چاپ سوم، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار: «رسم خانواده‌های ما این است که خدمت همسر یا مادر انگیزه‌ای جز مهربانی و فداکاری ندارد و سخن گفتن از حق‌الزحمه درباره اجرای این تکالیفی اخلاقی، ناروا است.»

۴. روشن، محمد (۱۳۹۳)، حقوق خانواده، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه: «مقصود از نحله در بند ب تبصره‌ی ۶ ماده‌ی واحده، مهریه نیست و قانون‌گذار در این ماده واحده بیشتر معنای لغوی نحله را در نظر داشته است.»

۲- پایان‌نامه

۱. محمد گودرزی، ۱۳۸۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی - مرکزی تهران: «نحله در حقوق اسلام و ایران» در این پایان‌نامه تماماً نوشته‌ها براساس بررسی به مقوله نحله تمرکز شده است.

۳- ۴. مقاله

۲. محمد روشن، بهار و تابستان ۱۳۹۰، مجله مطالعات حقوقی، شماره ۱، دوره سوم، «بررسی ماهیت حقوقی نحله»: در این مقاله بررسی و تحلیل‌ها مربوط به نحله و اجرت‌المثل به صورت جداگانه نوشته شده است، در این

مقاله به موضوع نخله و اجرت‌المثل از منظر حقوقی و فقهی نگارش شده و به دنبال راه‌حلی برای حل مشکلات در زمینه حقوق زنا می‌باشد.

۳-۳ موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری کرسی ترویجی بطور واضح و روشن بیان شود

نوآوری این پژوهش در آن است که مسأله نخله را از حیث مفهومی، مصداقی و آثار و تبعات آن و نحوه انعکاس این حق در فقه و حقوق ایران مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. این امر در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۴ فرایند: فرایندی که در آن محتوای علمی حاصل شده است، شرح داده شود.

۱-مطالعه کتاب‌ها و مقالات

۲-فیش برداری

۳-ساماندهی

۴-دسته بندی مطالب و نظام‌بندی آنها

۵-نگارش نهایی مقاله

۴-۵ منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

\* قرآن کریم

۱. کتب

۱. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی (صدوق) (۱۴۱۰ق)، الهدایة بالخیر، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.

۲. ابن‌براج، قاضی عبدالعزیز طرابلسی (۱۴۰۶ق)، المذهب، چاپ اول، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳. ابن‌رشد، ابوالولید محمداندلسی، (۱۴۲۰ق)، بحر محیط فی تفسیر، ج ۳، بیروت: دارالفکر.

۴. ابهری، حمید، یاسر معینی، مهدی درگاهی (۱۳۹۴)، قانون حمایت خانواده در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نوین اندیشه.

۵. احمدی، عباس (۱۳۹۱)، نخله و اجرت‌المثل کارهای زوجه با بررسی آخرین تغییرات قانونی، چاپ اول، تهران: انتشارات اندیشه عصر.

۶. امامی، اسدالله، سیدحسین صفایی (۱۳۹۴)، مختصر حقوق خانواده، چاپ چهل و یکم، تهران: نشر میزان.

۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، چاپ پانزدهم، جلد ۲، ۴، تهران: کتابفروشی اسلامیه.

۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، چاپ بیست و یکم، جلد ۵، تهران: کتابفروشی اسلامیه.

۹. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق)، **المکاسب**، چاپ سوم، جلد ۲، تهران: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۰. انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۸)، **دانشنامه حقوق خصوصی**، تهران: محراب فکر.
۱۱. بازگیر، یدالله (۱۳۹۱)، **قانون مدنی در آینه آراء دیوان عالی کشور - حقوق خانواده**، چاپ پنجم، جلد ۲، تهران: انتشارات فردوسی.
۱۲. بای، حسینعلی (۱۳۹۳)، **قواعد فقهی**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگی و اندیشه اسلامی.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۵)، **دوره‌ی متوسط حقوق مدنی: حقوق خانواده**، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپخانه حیدری.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، **دانشنامه حقوقی**، چاپ هفتم، تهران: نشر گنج دانش.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۵۶م)، **الصاحح**، قاهره: دارالعلم للملایین.
۱۷. حبیبی تبار، جواد (۱۳۹۴)، **گام به گام با حقوق خانواده**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۸. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹ق)، **الفقه**، چاپ پنجاه و هشت، بیروت: دارالقلم.
۱۹. حسینی واسطی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، **تاج عروس من جواهر قاموس**، چاپ اول، ج ۱۵، بیروت: دارالفکر.
۲۰. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰)، **حقوق زن و خانواده**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، **حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. حلی، ابوالصالح تقی‌الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۳ق)، **کافی فی الفقه**، چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع).
۲۳. حلی، محمد بن حسن بن یوسف بن المطهر (علامه) (۱۳۷۲)، **تذکره الفقهاء**، تهران: المکتب المرتضویه.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق)، **تحریر الاحکام**، چاپ اول، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، **تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه**، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
۲۶. خاوری‌نژاد، ابوالفضل (۱۳۹۴)، **برآورد ارزش خدمات خانگی کشور**، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، **لغت‌نامه دهخدا**، چاپ اول جدید، جلد ۱، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، چاپ اول جدید، جلد سیزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۲، جلد ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. دینانی، عبدالرسول (۱۳۸۷)، حقوق خانواده ازدواج و انحلال آن، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، بیروت: دارالعلم.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، بیروت: دارالعلم، سوریه: دارشامیه.
۳۳. راوندی، سیروس (۱۴۰۵ق)، فقه قرآن، چاپ دوم، جلد ۲، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۳۴. رسولی، محمد (۱۳۹۲)، حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نشاط.
۳۵. روشن، محمد (۱۳۸۹)، مباحثی از حقوق خانواده، تهران: انتشارات جنگل.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، حقوق خانواده، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
۳۷. \_\_\_\_\_؛ حسن محمدی رمقانی، حسین مهرپور (۱۳۹۳)، مطالبات زوجه و روش وصول آن، چاپ چهارم، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
۳۸. زمخشری، محمد (۱۴۰۷ق)، طلاق، پژوهشی در واقعیت و عوامل، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۹. زندی، محمدرضا (۱۳۹۱)، طلاق، نکاح، حضانت، رویه قضایی دادگاه های تجدیدنظر استان تهران در امور خانواده، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
۴۰. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، در منثور فی تفسیر مآثور، جلد ۲، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۴۱. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۵)، حقوق خانواده (ازدواج، طلاق، فرزندان)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۴۲. صفار، محمدجواد (۱۳۹۰)، درس هایی از حقوق خانواده (با تکیه بر موقعیت حقوقی زن در نکاح و طلاق)، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
۴۳. صفایی، حسین، اسداله امامی، سیدعزت اله عراقی (۱۴۰۱)، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۴. \_\_\_\_\_؛ اسداله امامی (۱۳۹۰)، مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان.
۴۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، جلد ۲، قم: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۶. طبری، ابی علی الفضل بن الحسن (۱۴۲۲ق)، تفسیر طبری (جامع بیان عن تأویل قرآن)، چاپ دوم، ج ۷، قاهره: دار تربیه و تراث مکه مکرمه دار معارف.
۴۷. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، چاپ دوم، بیروت: مکتب نشر الثقافه الاسلامیه.

۴۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، ۸ جلدی، تهران: المکتب المرتضویه.
۴۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ق)، **المبسوط فی الفقه الامامیه**، چاپ سوم، جلد ۳ و ۸، تهران: المکتبه المرتضویه للاحياء الآثار الجعفریة.
۵۰. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، چاپ دوم، جلد ۲، تهران: کتابفروشی داوری.
۵۱. عمید، حسن (۱۳۶۳)، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ سوم، جلد ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ دوازدهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۵۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ دوازدهم، جلد ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۵۴. فیروزآبادی، محمد (بی تا)، **بصائر ذوی تمییز فی لطائف کتاب عزیز**، جلد ۵، بیروت: مکتبه علمیة.
۵۵. فیض، علیرضا (۱۳۷۱)، **مبادی فقه و اصول**، مشتمل بر بخشی از مسائل آن در علم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵۶. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۲۵ق)، **الشافی فی عقاید الاخلاق و الاحکام**، چاپ اول، جلد ۲، بیروت: دار نشر اللوح المحفوظ.
۵۷. قربان نیا، ناصر (۱۳۸۴)، **بازپژوهی حقوق زن**، ج ۲، تهران: نشر روزنو.
۵۸. قربان وند، محمد (۱۳۹۵)، **تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱**، چاپ سوم، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
۵۹. قریشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، **قاموس القرآن**، چاپ ششم، جلد ۷، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۶۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، **حقوق مدنی**، چاپ دوم، ج ۴، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
۶۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، **حقوق خانواده**، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، **دوره مقدماتی حقوق مدنی - وقایع حقوقی**، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، **دوره حقوق مدنی - خانواده - نکاح - طلاق**، چاپ سوم، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، **دوره حقوق مدنی، خانواده، نکاح، طلاق**، چاپ سوم، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، **حقوق خانواده**، چاپ چهارم، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۶۶. لطفی، محمدحسن (۱۳۸۹)، سلسله مباحث فقهی، حقوقی حقوق خانواده، چاپ اول، ج ۲، تهران: انتشارات خرسندی.
۶۷. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۶۵)، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، تهران: نشر علوم اسلامی.
۶۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، بررسی فقهی حقوق خانواده - نظام و انحلال آن، چاپ هجدهم، تهران مرکز نشر علوم اسلامی.
۶۹. مدرسی، محمدتقی (۱۳۹۳)، احکام معاملات، قم: انتشارات محبان امام حسین (ع).
۷۰. مروج، حسین (۱۳۷۹)، اصطلاحات فقهی، چاپ اول، قم: انتشارات بخشایش.
۷۱. معلوف، لوئیس (۱۳۷۳)، فرهنگ جامع نوین (المنجد)، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات اسلام.
۷۲. معین، محمد (۱۳۶۷)، فرهنگ فارسی، چاپ سوم، ج ۴ و ۲، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۷۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، ج ۸، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷۴. مفید، شیخ محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق)، المقنعة، چاپ اول، قم: کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، القواعد الفقیهه، چاپ پنجم، قم: نشر مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
۷۶. موحدیان، غلامرضا (۱۳۹۴)، حقوق و روابط مالی زوجین، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری انتشارات نگاه بنیه.
۷۷. موسوی، مریم‌سادات (۱۳۹۵)، نحله و اجرت‌المثل از منظر فقه و حقوق ایران، سمنان: حبله رود، ص ۱۳۴.
۷۸. موسوی بجنوردی، سیدمحمد کاظم (۱۳۹۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ج ۲۰، تهران: نشر دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۷۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۵)، رساله توضیح‌المسائل، چاپ بیستم، تهران: انتشارات نیلوفرانه.
۸۰. میرخانی، عزت‌السادات، زهره کاظمی (۱۳۸۹)، جایگاه متعه طلاق در نظام قانون‌گذاری اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۸۱. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۳۷۱)، جامع‌الشتات، ج ۴، تهران: انتشارات کیهان.
۸۲. میرداداشی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، شروط ضمن عقد ازدواج، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
۸۳. هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۷ق)، معجم فی فقه الجواهر، چاپ اول، جلد ۶، قم: موسسه الغدير للطباعة و نشر و التوزيع.
۸۴. هدایت‌نیا، فرج‌اله (۱۳۸۴)، حقوق مالی زوجه، اجرت‌المثل، نحله و تعدیل مهریه، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸۵. یثربی قمی، سیدعلی محمد (۱۳۸۸)، حقوق خانواده، در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

۸۶. ابهری، حمید و دیگران (۱۳۹۸)، «واکاوی فقهی حقوقی نهاد نخله در پرتو رویه قضایی کشور ایران»، **فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین**، سال دوم، شماره ۹، ص ۷-۱۴.
۸۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، «واکاوی فقهی حقوقی نهاد نخله در پرتو رویه قضایی کشور ایران»، **فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین**، سال دوم، شماره ۹، ص ۲۹۸.
۸۸. احمدیه، مریم (۱۳۸۳)، «حق اجرت‌المثل و نخله در یک بررسی حقوقی»، **مجله کتاب زنان**، شماره ۲۵، ص ۲۹۷-۳۱۹.
۸۹. اسماعیلی، محمد (۱۳۹۵)، «بررسی ماهیت و تفاوت اجرت‌المثل ایام زوجیت و نخله و نحوه مطالبه آن»، **پایگاه مجلات تخصصی نور**، دوره دوم، شماره ۱، بهار، ص ۵۳.
۹۰. انصاری‌پور، محمدعلی، محمدحسن صادقی‌مقدم (۱۳۸۴)، «اجرت‌المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم در این زمینه»، **فصلنامه مدرس علوم انسانی - ویژه‌نامه حقوق**، ص ۱-۲۴.
۹۱. جعفری‌دولت‌آبادی، عباس (۱۳۸۵)، «بررسی حقوق مالی زوجه در موارد صدور حکم طلاق به درخواست زوج»، **ماهنامه دادرسی**، سال دهم، شماره ۵۷، ص ۲۸-۳۵.
۹۲. حاتمی، علی‌اصغر، سیده‌فاطمه زبرجد (۱۳۹۴)، «اجرت‌المثل ایام زوجیت و نخله با نگرش بر قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱، **مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، شماره ۱، ص ۵۹-۹۸.
۹۳. حسینی، سیده‌مطهره، لیلا اسدی، سیدمحسن فتاحی (۱۴۰۲)، «ماهیت طلاق از ناحیه زوجه به وکالت از زوج و آثار ناشی از آن بر فرایند دادرسی»، **فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)**، سال ۳۰، شماره ۱۲۲، ص ۶۷-۸۷.
۹۴. حسینی‌مقدم، سیدحسن و همکاران (۱۳۹۸)، «پیامد تطبیقی پیامد فسخ قرارداد در کنوانسیون بین‌المللی کالا وین و حقوق ایران»، **پژوهشنامه حوزه حقوق تطبیقی**، دوره سوم، شماره ۱، پیاپی ۴، پائیز و زمستان، ص ۴۸.
۹۵. صادقی، حسین (۱۳۹۷)، «بررسی تفاوت نخله و اجرت‌المثل در نظام حقوقی ایران»، **فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات حقوق**، شماره ۲۲، ص ۴۷-۶۰.
۹۶. خدادادپور، منیره، احمد دیلمی (۱۳۸۸)، «سؤاستفاده از حق طلاق و راهکارهای قانونی مقابله با آن»، **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۸۳.
۹۷. خوئینی، غفور، مریم غنی‌زاده‌بافقی، شیرین دشتیان‌روبهانی (۱۴۰۱)، «تحلیل حقوقی ماهیت توافقات در ضمن طلاق»، **فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)**، شماره ۷۶، سال ۲۷، بهار و تابستان: ص ۱۱۹-۱۴۳.

۹۸. روشن، محمد، حسن محمدی رمضانی (۱۳۹۰)، «بررسی ماهیت حقوقی نحله»، **مجله مطالعات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شیراز**، دوره ی سوم، شماره ۱، ص ۱۰۳-۱۲۲.
۹۹. کهنی، محمود (۱۳۹۷)، «اجرت المثل و نحله زوجه، رساله دکتری، دانشکده حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، ص ۱۵۵.
۱۰۰. روشن، محمد، حسن محمدی رمضانی (۱۳۹۲)، «تأثیر ورشکستگی و اعسار زوج بر مطالبات زوجه»، **فصلنامه خانواده پژوهی**، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۱۲۵-۱۴۳.
۱۰۱. سنچولی، زینب (۱۳۹۱)، «حقوق قابل استیفای زنان مطلقه، به هنگام طلاق و راه های مطالبه آن»، **مجله اندیشه های راهبردی، زن و خانواده**، شماره ۹، ماه آبان، ص ۵۲۳-۵۵۱.
۱۰۲. فضائی، مصطفی، اولیاء محمدی (۱۳۹۰)، «شرایط استحقاق اجرت المثل زوجه در حقوق ایران و نقد آن»، **دو فصلنامه بانوان شیعه**، سال هشتم، شماره ۲۶، ص ۹۵-۱۳۲.
۱۰۳. محمدی، مرتضی (۱۳۸۳)، «طلاق و سهم زن از زندگی مشترک - بررسی تبصره ۶ ماده اصلاحی مقررات مربوط به طلاق»، **فصلنامه مفید**، شماره ۴۳، مرداد و شهریور: ص ۳۱-۶۰.
۱۰۴. هدایت نیا، فرج الله (۱۳۸۵)، «ارزیابی قوانین خانواده (بخش نخست)»، **فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، نشریه کتاب زنان**، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۶۵-۱۱۶.

دادنامه ها

۱. دادنامه ی شماره ی ۷۹۸ صادر از شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تاریخ ۱۳/۴/۱۳۸۵.
۲. دادنامه شماره ۴ در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱۵ شعبه ۱۱ دادگاه خانواده کرج.
۳. دادنامه ی شماره ۳۲ صادره از شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور
۴. دادنامه شماره ۴۵۲ شعبه پانزدهم دیوان عالی کشور به تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۵.
۵. دادنامه در پرونده کلاسه شماره ۹۴۱۶۲۶ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر.
۶. دادنامه ی شماره ۳۲۱، تاریخ ۱۳۷۲/۵/۲۴ رأی دادگاه مبتنی بر تعیین نحله برای زوجه.
۷. دادنامه به شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۷۹۰۲۵۹۵ تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰، شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.
۸. دادنامه شماره ۹۶۴۴۹ تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۳۰.
۹. دادنامه شماره ۹۶۱-۳۱/۵/۹۲ مورخ ۱۳۹۴/۰۱/۱۷
۱۰. دادنامه به شماره ۹۳-۱۰/۱۱/۱۷۲۹ جهت داشتن قصد تبرع، شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور
۱۱. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۷۹۰۳۶۶۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۱ شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.
۱۲. دادنامه شماره ۹۹۰۰۲۵۶ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۳ صادره از شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.
۱۳. دادنامه شماره ۱۳۲-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۰۷ صادره از شعبه ۸ دیوان عالی کشور.
۱۴. دادنامه شماره ۱۳۱۰-۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۳۰، شعبه ۸ دیوان عالی کشور.
- ۱۵.

باسمہ تعالیٰ



پست چارٹ  
از کرسی ملی نظریہ پر داری، تہ و مناظرہ

|  |
|--|
|  |
|--|